

بررسی تطبیقی وضعیت و آثار شرط عدم مسؤولیت در بیمه‌های بازرگانی در نظام حقوقی ایران و انگلیس

محمدجواد روستا سکه روانی^۱، مهشید السادات طبایی^{۲*}، جعفر جمالی^۳، منصور
امینی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
۲. استادیار گروه حقوق، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. استادیار گروه حقوق، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

چکیده

شرط عدم مسؤولیت در بیمه کمتر مورد توجه پژوهشگران و قوانین موجود قرار گرفته است. مبهم بودن وضعیت این شروط و ارجاع وضعیت این شروط به شرایط خصوصی بیمه نامه، با توجه به الحاقی بودن عقد بیمه و قدرت معاملاتی برتر شرکتهای بیمه‌گر امری قابل انتقاد بوده که غالباً نیز به ضرر بیمه گذاران و ذینفع بیمه‌نامه‌ها منتهی می‌شود. هر چند با استفاده از برخی از میانی حقوقی می‌توان شرط عدم مسؤولیت نسبت به تعهد اصلی بیمه‌گر را باطل اعلام کرد، اما این ابهام در مورد تعهدات فرعی بیمه‌گرکماکان ادامه دارد. همچنین در مواردی که شرط عدم مسؤولیت جزئی بوده، هرچند چنین شرطی ناظر بر تعهد اصلی نیز باشد، با توجه به اینکه چنین شرطی اثر کلی عقد بیمه را از بین نمی‌برد، نمی‌توان باطل و یا مبطل عقد بیمه دانست، اما به صورت کلی ارجاع وضعیت شرط عدم مسؤولیت به شرایط

خصوصی باب سوء استفاده را باز کرده است. به همین دلیل بازنگری در قوانین و مقررات موجود، از این منظر امری ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: شرط عدم مسئولیت، بیمه‌گر، بیمه‌گذار، بطلان.

۱. مقدمه

بیمه یکی از عقود نوینی است که به‌رغم اینکه مدت زمان زیادی از عمر آن به شکل امروزی نمی‌گذرد، توانسته است جایگاه ویژه‌ای بین جوامع به دست آورد، به نحوی که امروزه تقریباً تمامی اشخاص از مزایای این نهاد بهره‌مند شده‌اند. بیمه را از منظرهای متفاوتی می‌توان تقسیم کرد. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی از منظر اهداف بیمه است. از این منظر، بیمه را می‌توان به دو دسته عمده بیمه‌های بازرگانی و اجتماعی تقسیم کرد. بر این اساس در تعریف بیمه‌های بازرگانی می‌توان بیان کرد: «بیمه‌های بازرگانی به بیمه‌های اختیاری نیز معروف هستند که در آن بیمه‌گذار به میل و اراده خود و به صورت آزادانه نسبت به تهیه انواع پوشش‌های آن اقدام می‌کند. در این نوع بیمه‌ها تعهد دوطرفه است یعنی بیمه‌گر در ازاء دریافت حق بیمه از بیمه‌گذار، تأمین بیمه در اختیار وی قرار می‌دهد». در این نوع از بیمه محاسبه حق بیمه متناسب با خطر بیمه‌شده تعیین و کلاً از بیمه‌گذار اخذ می‌شود. بیمه‌های بازرگانی به انواع مختلفی در طول زمان تقسیم‌بندی شده‌اند که به فراخور نیاز روز و تنوع خطرها به کار گرفته شده‌اند. در یک دسته بندی کلی بیمه‌های بازرگانی را می‌توان به دو دسته کلی، بیمه‌های اشخاص و بیمه‌های زیان تقسیم کرد (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

به طور کلی هر چند عقد بیمه عقدی تشریفاتی است اما عقدی است که براساس اصل حاکمیت اراده و توافق طرفین استوار است (روژه^۱، بو، ۱۳۷۸، ص ۸۱). با توجه به قراردادی بودن عقد بیمه، شرکت‌های بیمه‌گر به درج شروطی تحت عنوان شرط عدم مسئولیت و شرط تحدید مسئولیت جهت کاهش تعهدات خود اقدام کرده‌اند. متأسفانه قوانین و مقررات ایران در این زمینه پراکنده است و همین امر نیز منجر به



ناکارآمدی قوانین و سوء استفاده‌های احتمالی شرکت‌های بیمه‌گر شده است. به همین دلیل در این پژوهش به بررسی شرط عدم مسؤلیت در عقد بیمه خواهیم پرداخت.

۲. مفهوم شرط عدم مسؤلیت

قراردادی که بین مسؤل و زیان دیده احتمالی آینده بسته می‌شود و به موجب آن مسؤل از پرداختن تمام یا بخشی از خسارت معاف می‌شود را «شرط عدم مسؤلیت» می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴). جایی که شخص به صورت قانونی مسؤل جبران زیان است به وسیله شرط عدم مسؤلیت، تمام مسؤلیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا سوء اجرای آن پیش از بروز تخلف از بین می‌رود. توافق بر انتقای مسؤلیت قراردادی و از بین بردن ضمان نسبت به خسارات وارده، ممکن است به صورت شرط ضمن عقد اولیه و اصلی انجام گیرد و از این جهت ماهیت تبعی پیدا کند و وابسته به قرارداد اصلی شود یا اینکه چنین توافقی به صورت مستقل بعد از انعقاد قرارداد صورت پذیرد.

در حقوق بیمه، برخی از موارد ممکن است با شرط عدم مسؤلیت خلط شود. برای مثال اگر یک طرف قرارداد بر اساس قرارداد انتقال ریسک مسؤلیت جبران خسارت را به بیمه‌گر انتقال دهد مفاد این قرارداد به هیچ وجه، عدم مسؤلیت نیست، بلکه در واقع تضمین بیشتر مسؤلیت است، زیرا زیان دیده می‌تواند به مسؤل حادثه و بیمه‌گر مراجعه کند (ارسطا، ۱۳۸۸، ص ۲۲). در این گونه موارد که بیمه‌گذار مسؤلیت ناشی از جبران ضرر و زیان مادی ناشی از فعل یا ترک فعل خود را به بیمه‌گر منتقل می‌کند، صرف حدوث حادثه، بیمه‌گر را ملزم به ایفای تعهدات نمی‌کند، بلکه در بیشتر موارد باید مسؤلیت بیمه‌گذار احراز گردد تا نوبت به ایفای تعهدات بیمه‌گر برسد. حال این احراز مسؤلیت بیمه‌گذار زمانی با رسیدگی‌های قضایی و بر اساس آرای دادگاه‌ها شکل می‌گیرد و زمانی بیمه‌گر تعهد می‌کند که بدون رأی دادگاه نیز در مواردی که ظن مسؤلیت بیمه‌گذار قوی است خسارات جانی یا مالی وارده را جبران کند. دلیل این مدعا نیز در ماده ۱۶ آیین‌نامه شماره ۸۰ مصوب شورای عالی

بیمه^۱ با موضوعیت تعهدات بیمه‌گر در بیمه مسؤلیت کارفرما در مقابل کارکنان بیان شده است. در صدر این ماده امکان ایفای تعهدات بیمه‌گر بدون رؤی دادگاه نیز لحاظ شده است و اقدامات اجرایی جهت جبران خسارت بر عهده بیمه‌گذار قرار گرفته است. در تبصره همین ماده اهمال بیمه‌گذار در ارائه اسناد و مدارک به بیمه‌گر چنانچه باعث افزایش تعهدات بیمه‌گر شود در دایره مسؤلیت بیمه‌گر قرار نگرفته و بیمه‌گر به صراحت اعلام کرده که نسبت به بخش افزایش تعهدات بیمه‌گر مسؤلیتی ندارد. فرضی که می‌توان بر این ماده متصور شد این است که تعهد بیمه‌گر در این بیمه‌نامه به دیه است و چنانچه بیمه‌گذار با اهمال خود در تکمیل مدارک باعث شود که ایفای تعهدات بیمه‌گر به سال آینده و با دیه افزایش یافته روبرو گردد بیمه‌گر فقط تا سقف تعهدات بیمه‌نامه که دیه سال قبل است ایفای تعهد می‌کند.

مورد دیگر که در حقوق بیمه نباید با شرط عدم مسؤلیت خلط کرد، موضوع عقد بیمه است. با این توضیح که عقد بیمه نیز همانند هر عقد دیگری دارای موضوع است (برادران، ۱۳۸۵، ص ۶۹). در برخی از موارد ممکن است برخی از خسارات از موضوع عقد بیمه خارج باشد. برای مثال، سرقت را نمی‌توان از طریق بیمه آتش سوزی پوشش داد مگر اینکه صراحتاً بدان اشاره شده باشد. حال اگر به سرقت اشاره‌ای نشده باشد نمی‌توان گفت که شرکت بیمه‌گر نسبت به پوشش سرقت شرط عدم مسؤلیت بیان کرده است.

۱. ماده ۱۶ آیین‌نامه شورای عالی بیمه مقرر می‌دارد: «در مواردی که پرداخت خسارت به صورت توافقی انجام نشده و موکل به ارائه رأی دادگاه شده است، حسب مورد زیان‌دیده یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها مکلفند ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا ظرف پانزده روز پس از قطعی شدن رأی ابلاغی با مدارک لازم برای دریافت خسارت به بیمه‌گر مراجعه و درخواست خود را تسلیم نمایند. بیمه‌گر مکلف است به محض وصول درخواست، آن را ثبت و ضمن تحویل رسیدی به متقاضی مشتمل بر نام متقاضی، تاریخ تسلیم و شماره ثبت، نقصان یا کامل بودن مدارک را در حضور متقاضی بررسی کند. چنانچه مدارک در زمان تقاضا کامل باشد بیمه‌گر موظف است حداکثر ظرف سی (۳۰) روز از تاریخ تقاضا، خسارت متعلقه را پرداخت نماید و چنانچه مدارک تسلیمی ناقص باشد، مراتب را حضوراً و به صورت کتبی به متقاضی اعلام تا نسبت به رفع نقص حداکثر ظرف یک هفته اقدام کند.

تبصره: عدم مراجعه اشخاص مذکور ظرف مهلت مقرر و یا تأخیر در تکمیل مدارک موجب افزایش تعهدات بیمه‌گر نخواهد بود.»



در ماده ۱۰ قانون شروط ناعادلانه قراردادی انگلیس، در بیان فرضی که شرط عدم مسؤولیت راجع به نقض تعهدهای ناشی از قرارداد «الف»، باطل است و مدیون در پی آن است تا با درج شرط در ضمن قرارداد «ب» (صرف نظر از اینکه طرف قرارداد اخیر، همان طلبکار قرارداد «الف» باشد یا نه) از این مسؤولیت بگریزد، شرط را بی اثر می‌داند. (Sweet & Maxwell, 1983, p.925) مثال مرسوم آن فرضی است که فروشنده‌ای حرفه‌ای، کالایی را به مصرف کننده می‌فروشد و در حالی که در قرارداد بیع، درج شرط عدم مسؤولیت بابت عیوب مبیع به موجب این قانون باطل است، بخواهد در قرارداد ارائه خدمات بابت آن کالا، خود را از مسؤولیت ناشی از عیب مبیع معاف بدارد (Cheshire, Fifoot & Furmstons, 1989, p. 182).

۲. وضعیت شرط عدم مسؤولیت در نظام حقوقی ایران

اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی یکی از اصول مبنایی در حقوق است. بر مبنای این اصل طرفین مختار هستند که آزادانه تعهدی را ایجاد نمایند و قلمرو آن را تعیین کنند (Terre.f, 1996, p.487) شرط عدم مسؤولیت نیز از این قاعده مستثنا نیست و به دلیل انطباق با اراده طرفین قرارداد اصولاً صحیح است (katouzian, 1997, p.225). نافذ شناختن شرط عدم مسؤولیت به سرمایه‌داران بزرگ و به‌ویژه آن‌ها که انجام خدمتی را به‌طور انحصاری در اختیار دارند این امکان را می‌دهد که با آوردن آن در قراردادهای الحاقی در برابر همه مشتریان خود در آینده نسبت به خساراتی که به بار می‌آوردند مصونیت یابند. یکی از این حوزه‌ها حقوق بیمه است. متأسفانه قوانین بیمه ایران به بحث درج شرط عدم مسؤولیت در قرارداد بیمه توجهی نکرده‌اند و از این جهت قوانین بیمه‌ای ایران قابل انتقاد می‌باشند، زیرا باب سوءاستفاده شرکت‌های بیمه را باز کرده‌اند.

در عقد بیمه، شرکت‌های بیمه‌گر در قبال دریافت حق بیمه، خطر (ریسک) بیمه‌گذار را پوشش داده و متعهد می‌شوند در صورتی که خطری مال یا منفعت مورد بیمه را در معرض خطر قرار دهد، خسارت وارده را پوشش دهند. به عبارت دیگر در بیمه، شرکت بیمه در صورت حصول شرایط عقد بیمه، مکلف به جبران خسارت وارده به بیمه‌گذار

می‌شود (حیاتی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵). حال اگر شرکت بیمه‌گر اقدام به درج شرط عدم مسؤولیت نسبت به تعهد اصلی کند، چنین شرطی را باید مصداق شرط مبطل دانست؛ چراکه مهم‌ترین اثر عقد بیمه تعهد بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار مبنی بر جبران خسارات احتمالی است. حال اگر به‌وسیله شرطی این اثر از عقد بیمه گرفته شود، چنین عقدی مصداق بند یک ماده ۲۳۳ قانون مدنی بوده و منجر به بطلان قرارداد بیمه می‌گردد؛ زیرا چنین شرطی تعهد اصلی شرکت بیمه را از بین می‌برد و در نتیجه قرارداد بیمه را بدون عوض می‌کند. با این توضیح که عقد بیمه هر چند عقدی احتمالی هست، اما عقدی مسامحه‌ای نیست بلکه عقدی معوض است (آل شیخ، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷)، دارا بودن عوض نیز در ذات عقد معوض قرار دارد (صفایی، ۱۳۸۷، ص ۲۶). حال اگر در قرارداد بیمه شرطی شود که یکی از عوضین قرارداد را از بین ببرد، چنین شرطی ذات قرارداد بیمه را دگرگون و قرارداد بیمه را بدون عوض می‌کند (شهیدی، ۱۳۹۲، ص ۸۱).

بدیهی است قرارداد معوضی که یکی از عوضین در آن وجود نداشته باشد، را نمی‌توان صحیح دانست. بنابراین شرط عدم مسؤولیت که توسط بیمه‌گر در قرارداد بیمه درج می‌شود را نه تنها باید باطل دانست؛ بلکه به استناد ماده ۲۳۳ قانون مدنی باید این شرط را باطل و مبطل عقد دانست؛ زیرا موضوع عقد بیمه ریسک مورد بیمه است. به همین دلیل است که اعلام ریسک مورد بیمه، یکی از مهم‌ترین تعهدات بیمه‌گذار محسوب می‌شود. در همین راستا ماده ۱۲ قانون بیمه^۱ ضمانت اجرای عدم اعلام صحیح ریسک مورد بیمه به‌طور عمدی را بطلان عقد بیمه اعلام کرده است. با کمی تأمل می‌توان به قیاس اولویت بطلان قرارداد بیمه‌ای که در آن شرط گردیده است بیمه‌گر مسؤول جبران خسارت نباشد را استنتاج کرد؛ زیرا وقتی عدم اعلام

۱. ماده ۱۲ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «هر گاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند».



صحیح ریسک مورد بیمه موجب بطلان قرارداد بیمه می‌شود، به‌طریق‌اولی استثنای این ریسک از بیمه را نیز باید موجب بطلان قرارداد بیمه دانست. در نتیجه شرطی که این مسؤولیت را ساقط می‌کند را باید باطل و مبطل دانست.^۱

قرارداد بیمه متشکل از دو طرف بیمه‌گر و بیمه‌گذار هست. بنابراین همان‌گونه که امکان دارد شرط عدم مسؤولیت از سوی بیمه‌گر در قرارداد درج شود، احتمال دارد که این شرط از سوی بیمه‌گذار نیز در قرارداد بیمه درج شود. با این توضیح که بر اساس قوانین و مقررات بیمه (برای مثال بیمه شخص ثالث در اتومبیل) حتی در صورتی که بیمه‌گذار شخصاً راننده باشد و مقصر حادثه نیز باشد، شرکت بیمه در صورت وجود شرایطی پس از جبران خسارت وارده به قائم‌مقامی زیان‌دیده می‌تواند به فرد مقصر حادثه (در این مثال بیمه‌گذار) مراجعه کند.^۲ حال اگر بیمه‌گذار

۱. لازم به ذکر است که در صورتی که عدم اعلام ریسک مورد بیمه به صورت غیر عمدی باشد، قانون بیمه با اصول کلی تعهدات قراردادی، منفعت و مصلحت بیمه‌گذار را مد نظر قرار داده و در ماده ۱۳ خود مقرر می‌دارد: «گر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد عقد بیمه باطل نمی‌شود در این صورت هر گاه مطلب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع قبل از وقوع حادثه معلوم شود بیمه‌گر حق دارد یا اضافه حق بیمه را از بیمه‌گذار در صورت رضایت او دریافت داشته قرارداد را ابقاء کند و یا قرارداد بیمه را فسخ کند - در صورت فسخ بیمه‌گر باید مراتب را به موجب اظهارنامه یا نامه سفارشی دو قبضه به بیمه‌گذار اطلاع دهد. اثر فسخ ده روز پس از ابلاغ مراتب به بیمه‌گذار شروع می‌شود و بیمه‌گر باید اضافه حق بیمه دریافتی تا تاریخ فسخ را به بیمه‌گذار مسترد دارد. در صورتی که مطلب اظهار نشده یا اظهار خلاف واقع بعد از وقوع حادثه معلوم شود خسارت به نسبت وجه بیمه پرداختی و وجهی که بایستی در صورت اظهار خطر به طور کامل و واقع پرداخته شده باشد تقلیل خواهد یافت».

۲. ماده ۱۵ قانون جدید بیمه شخص ثالث در این زمینه مقرر می‌دارد: «در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف) اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی

ب) رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ) در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت) در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد».

درخواست کند که در صورتی که وی مقصر حادثه نیز باشد و حادثه نیز در اثر تعدد وی به وجود آمده باشد، و یا در حالت مستی و بیهوشی وی به وجود آمده باشد، شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت وارده به شخص زیان‌دیده حق مراجعه به وی را نداشته باشد. سؤال قابل طرح در این زمینه این است که آیا چنین شرطی را باید صحیح تلقی کرد؟

در پاسخ به سؤال یادشده باید بیان کرد که به نظر می‌رسد ماده ۱۵ قانون بیمه شخص ثالث قانون امری بوده و طرفین حق تراضی برخلاف آن را ندارند. به همین دلیل شرط عدم مسئولیتی که در این زمینه درج شده باشد را نیز باید باطل تلقی کرد. مضاف بر این پوشش خسارت‌های عمدی اشخاص باعث بی‌مبالاتی اشخاص در جامعه گردیده و منافع اقتصادی و نظم عمومی جامعه را در خطر قرار می‌دهد. به همین دلیل پوشش چنین خطراتی نیز برخلاف نظم عمومی اقتصادی است و در نتیجه چنین شروطی را به دلیل برخورد بانظم عمومی اقتصادی باید باطل اعلام کرد. اما این شرط نمی‌تواند به صحت قرارداد بیمه لطمه‌ای وارد کند، زیرا چنین شرطی نه برخلاف مقتضای ذات عقد بوده و نه شرط مجهولی است که جهل به آن به عوضیم نیز سرایت کند. در حقوق انگلیس، در تعارض شرط باهدف اصلی قرارداد، تنها شرط است که حذف می‌شود و قرارداد، معتبر باقی می‌ماند (David Yates, 1982, p.155) در حالی که در نظر طرفداران دیدگاه توصیفی شرط باطل نمی‌شود و قرارداد را از یک قرارداد معوض به یک قرارداد رایگان تبدیل می‌کند؛ اما اغلب اوقات، نتیجه ناگزیر این تحلیل، بطلان قرارداد به دلیل فقدان جهت تعهد است. در حالی که در حقوق ایران، این تحلیل همانند (در نظر گرفتن یکجای عقد و شرط و تفسیر آن با توجه به قصد طرفین)، به هدف جلوگیری از بطلان همیشگی قراردادی بوده است که با شرط خلاف مقتضا همراه است، اما به نظر می‌رسد که در حقوق ایران برخلاف آنچه در حقوق انگلیس بدان اشاره شد، شرط عدم مسئولیت، منجر به فقدان جهت و بطلان عقد نمی‌شود و در صورتی که قصد توجیه بطلان عقد بدین دلیل وجود داشته باشد، بایستی قائل به تغییر جهت عقد و تبدیل شدن عقد معوض به عقد رایگان ناشی از انشای چنین شرطی

1. Consideration



بود که در نتیجه، آن شرط به عنوان شرط خلاف مقتضای ذات لحاظ شود و باعث تناقض در اراده انشایی و موجب بطلان عقد بدین دلیل (نه فقدان جهت بودن) شود. از جهت تحلیلی، آنچه میان دو نظام حقوقی فاصله می‌اندازد، اثر شرط عدم مسئولیت نسبت به تعهدات قراردادی است: در نظر طرفداران دیدگاه توصیفی در حقوق انگلیس، هر شرط عدم مسئولیتی در حقیقت به منزله شرطی است که از ایجاد تعهدات نخستین قراردادی جلوگیری می‌کند.

در حقوق بیمه ایران به استناد ماده ۳۵ آن در اغلب بیمه‌نامه‌های اختیاری (برای مثال بیمه‌نامه مسئولیت مهندسی) به نظر می‌رسد درج شرط عدم مسئولیت در برخی از این موارد امکان‌پذیر باشد. چنین شرط‌هایی را در قلمرو بیمه نمی‌توان باطل دانست. بلکه اتفاقاً این شروط را باید صحیح قلمداد کنیم، زیرا از یکسو هرچند صاحب دستگاه در مقابل اشخاص ثالث در مقابل خسارت‌هایی که این دستگاه به آنان وارد می‌کند مسئول است، اما اگر شرکت‌های بیمه اقدام به اندراج چنین شروطی در قرارداد بیمه کنند نمی‌توان این شروط را باطل دانست؛ زیرا این دستگاه‌ها برای کار در مزارع کشاورزی ساخته شده‌اند و برای جابجایی این دستگاه‌ها باید از یدککش و یا کامیون استفاده کرد. در نتیجه تردد این دستگاه‌ها در جاده‌های اصلی خطر بیمه‌ای را دوچندان کرده و احتمال وارد کردن خسارت جانی و مالی به اشخاص ثالث را به مراتب بیشتر می‌کند؛ زیرا خسارت اصلی که شرکت‌های بیمه اقدام به پوشش آن می‌کند، خسارت ناشی از کار کردن این دستگاه‌ها و نهایتاً جابه‌جایی جزئی و در محدوده زمین کشاورزی است. باید توجه نمود حرکت این دستگاه‌ها در جاده‌های اصلی نیز ممنوع بوده و الزاماً این امر باید توسط یدککش صورت گیرد.

در مقابل اگر شرکت بیمه‌ای اقدام به اندراج چنین شرطی در مورد اتومبیل کند به نظر می‌رسد که چنین شرطی را نمی‌توان صحیح دانست؛ زیرا پذیرش صحت چنین شرطی ماهیت قرارداد بیمه را عقیم می‌کند. به عبارت دیگر هرچند قرارداد بیمه مسئولیت خود را در پرداخت خسارت به کلی از بین نمی‌برد اما با درج شرطی مبنی به عدم مسئولیت شرکت نسبت به خساراتی که خودرو ممکن است در جاده‌های اصلی به اشخاص ثالث وارد کند، عملاً زمینه مسؤول تلقی شدن خود را از بین می‌-

برد، زیرا با چنین شرطی امکان مسؤول تلقی شدن شرکت بیمه امری بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه برخلاف دستگاه‌های برداشت محصول که برای کار در مزارع ساخته شده‌اند، خودرو برای تردد در جاده‌ها ساخته شده‌اند، اعم از اینکه جاده موردنظر اصلی باشد و یا فرعی. حتی می‌توان گفت که اغلب تردها و خسارت وارده نیز ناشی از تردد در جاده‌های اصلی می‌باشند نه جاده‌های فرعی. در نتیجه می‌توان بیان کرد شرکت بیمه با درج شرط عدم مسؤولیت ناشی از تردد خودرو در جاده‌های اصلی، از زیر بار مسؤولیت شانه خالی کرده و عملاً هدف از بیمه نیز تأمین نمی‌شود؛ فلذا چنین شرطی را نمی‌توان صحیح قلمداد کرد.

در کشورهای غربی نیز درج هرگونه شرط عدم مسؤولیت که قرارداد بیمه را پوچ و فاقد اثر کند، فاقد اعتبار است. به‌عنوان مثال، یک شرط عدم مسؤولیت در یک بیمه خودرویی که مسؤولیت بیمه‌گر را در قبال آسیب‌های ناشی از ماشین به عهده نمی‌گیرد، قرارداد بیمه را بی‌ارزش می‌کند و بنابراین چنین شرط عدم مسؤولیتی پذیرفته نخواهد شد.^۱

رویه قضایی نیز در برخی از موارد صراحتاً شرط عدم مسؤولیت در بیمه را باطل اعلام کرده است. برای مثال شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۷ نه‌تنها داشتن گواهینامه رانندگی را برای جبران خسارت توسط شرکت بیمه‌گر لازم ندانسته است، بلکه اندراج شرط عدم مسؤولیت شرکت بیمه‌گر در صورت عدم داشتن گواهینامه توسط راننده مقصر را نیز صحیح نمی‌داند. استدلالی که قاضی در این رأی بکار می‌گیرد این است که اساساً در بیمه حوادث صرف وقوع حادثه و ایراد خسارت شرکت بیمه را مکلف به جبران خسارت می‌کند و تقصیر و نداشتن گواهینامه با توجه به این‌که مشمول بیمه سرنشین و ثالث نمی‌گردد تأثیری در موضوع ندارد، مستند استدلال هم این است که بر اساس بند ب ماده ۱۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ شرکت‌های بیمه‌گر مکلف هستند در مورد راننده مقصر همچون سرنشین بیمه ثالث اعمال کنند». و

۱. <http://www.craddock.com.au/Document/Exclusion+Clauses+in+Insurance+Contracts.aspx>



همچنان که سرنشین وسیله نقلیه در صورتی که ورود خسارت جرحی و فوتی نیاز به گواهینامه ندارد راننده مسبب نیز نیازمند گواهینامه نیست، ولی آنچه در عمل اتفاق افتاد در سال مورد بررسی این بود که بیمه مرکزی ایران با تصویب آیین‌نامه ۶۷ مصوب شورای عالی بیمه که در آن شرایط و ضوابط پرداخت خسارت جانی راننده مسبب حادثه را مورد لحاظ قرار داده بود برداشتن گواهینامه برای جبران خسارت جانی وارده به خود راننده مسبب حادثه صحت گذاشت و در عمل نیز در بین بیمه گران آیین‌نامه ۶۷ ملاک عمل بود. بنابراین در این رأی کنترل قضایی بر این عقیده بود که نداشتن گواهینامه رانندگی متناسب توسط راننده مقصر حادثه تأثیری در جبران خسارت وارده به وی توسط شرکت بیمه‌گر نداشته و بیمه‌گر نیز با اندراج شرط عدم مسئولیت نمی‌تواند مسئولیت خود را در جبران خسارت در صورت نداشتن گواهینامه متناسب سلب کند.^۱ ولی در بعد کنترل تقنینی نهاد ناظر بر بیمه^۲ بیمه مرکزی ایران^۳ زیر بار پذیرش این نظریه نمی‌رود و در نهایت رأی صادره توسط قاضی در مرحله تجدیدنظر نقض می‌شود. نکته‌ای که در اینجا قابل‌ذکر است این است که حسب بند (پ) ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایط نقلیه مصوب ۱۳۹۵^۴ همین شرایط عدم داشتن گواهینامه و ایجاد خسارت بدنی و مالی به این صورت مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است که بیمه‌گر خسارت زیان‌دیده را پرداخت و باز یافت می‌کند.

۱. این دادگاه در ادامه مقرر می‌دارد: «قرارداد بیمه از قرار داد تحمیلی است که توسط دولت بر بیمه‌گر تحمیل می‌شود و مشارالیه در انعقاد چگونگی آن آزادی اراده کامل ندارد و تابع نظر قانونگذار می‌باشد.» بر این اساس از نظر دادگاه با توجه به تحمیلی بودن قرارداد بیمه حتی در صورت توافق خلاف نیز شرکت بیمه نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت خود در جبران خسارت به استناد شرط عدم مسئولیت رهایی یابد.

۲. ماده ۱۵: «در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف) اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی

ب) رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ) در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.»

در بیمه‌های درمان نیز ممکن است برخی از شرکت‌های بیمه در لیست ارائه‌شده خود، هزینه برخی از بیماری و یا جراحی‌ها را حذف کنند. برای مثال ممکن است برخی از شرکت‌های بیمه غالباً هزینه مربوط به جراحی‌های زیبایی را از شمول تعهدات خود مستثنا کنند. علت این نیز روشن است؛ زیرا بیمه اقدام به بیمه نمودن حوادث و یا خساراتی می‌کند، که تحقق و یا عدم تحقق آن احتمالی باشد (مانند واژگونی اتومبیل) یا اگر وقوع آن قطعی باشد، زمان آن مشخص نباشد (همانند فوت)، در اعمالی همچون جراحی‌های زیبایی، عنصر احتمالی بودن در آن وجود ندارد و به همین دلیل نیز بیمه‌ها این اقدامات را تحت پوشش قرار نمی‌دهند؛ چراکه عملی قابل پیش‌بینی است.

در بسیاری از موارد دیگر نیز ممکن است شرط عدم مسؤولیت در قرارداد بیمه درج شود، اما به صورت کلی می‌توان بیان کرد، در صورتی که این شروط ناظر به تعهدات فرعی باشد، در صورتی که شرط عدم مسؤولیت با قانون و نظم عمومی مخالف نباشد صحیح دانست، اما اگر این شروط ناظر به تعهد اصلی طرفین عقد بیمه باشد، چنین شروطی را نمی‌توان صحیح دانست. برای مثال اگر شرکت بیمه در بیمه-نامه مسؤولیت نماینده که شامل پوشش برای کارکنان و بازاریابان وی است، نسبت به جبران خساراتی که ناشی از اشتباهات غیرعمدی نماینده، کارکنان و بازاریابان وی در عملیات بیمه‌گری در بخش‌های صدور، خسارت و همچنین مالی روی می‌دهد و مانع پرداخت خسارت براساس ضوابط و مقررات بیمه‌گری در دستورات عمل‌ها و بخشنامه‌های بیمه‌گر است، شرط عدم مسؤولیت در قرارداد درج کند، می‌توان این شرط را باطل دانست؛ زیرا این شرط هم باهدف از خرید بیمه‌نامه که تعهد بیمه‌گر به جبران خسارات غیرعمدی در باب مسؤولیت است و هم با متن صریح ماده ۶۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مغایرت دارد.^۱ همچنین اگر شرکت بیمه‌گر نسبت به جبران خسارتی که به دلیل بازاریابی و یا ایجاد تعهد منجر به اعلام خسارت

۱. ماده ۶۷: «مؤسسات بیمه و نمایندگان و دلان رسمی بیمه مسؤول جبران خساراتی می‌باشند که در اجرای وظایفشان به سبب تقصیر و یا مسامحه آنها یا کارکنانشان به دیگران وارد آید».



از ناحیه بیمه‌گذاران یا ذی‌الحقوق ایشان علیه بیمه‌گر صورت می‌پذیرد شرط عدم مسئولیت در قرارداد درج کند، نمی‌توان چنین شروطی را باطل دانست؛ زیرا این خسارات در مقایسه با خساراتی که موضوع اصلی بیمه‌نامه است، جنبه فرعی داشته، در نتیجه چنین شرط عدم مسئولیتی نسبت به این خسارات خلاف مقتضای ذات عقد تلقی نمی‌شود. در مقابل اگر شرکت بیمه‌گر در بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای نمایندگان بیمه اقدام به درج شرط عدم مسئولیت نسبت به موارد فوق‌الذکر کند، چنین شرطی را نمی‌توان صحیح دانست؛ چراکه تعهدات مستثنا شده، در این بیمه‌نامه، تعهد اصلی بیمه‌گر است، حال اگر اقدام به درج شرط عدم مسئولیت توسط بیمه‌گر در این بیمه-نامه شود، دیگر بیمه‌گر تعهدی نخواهد داشت. بلکه صرفاً حق بیمه‌ای دریافت می‌کند که در مقابل آن هیچ تعهدی نخواهد داشت. بنابراین در این بیمه‌نامه برخلاف بیمه-نامه‌های دیگر، شرط عدم مسئولیت نسبت به تعهد فوق‌الذکر، شرط خلاف مقتضای ذات عقد تلقی گردیده و باطل و مبطل عقد خواهد بود.

بنابراین در صورتی که شرط عدم مسئولیت ناظر به تعهد اصلی قرارداد نباشد و همچنین شرط عدم مسئولیت در شرایطی در قرارداد درج نشده باشد که انحصار در بازار وجود نداشته باشد باید شرط عدم مسئولیتی که از سوی شرکت بیمه در قرارداد بیمه درج می‌شود را صحیح دانست. همچنین باید توجه کرد با توجه به متفاوت بودن ماهیت قراردادهای بیمه، در هر قرارداد بیمه، تعهد اصلی بیمه‌گر متفاوت بوده و ممکن است تعهدی که در یک بیمه‌نامه تعهد اصلی شرکت بیمه‌گر است، در بیمه دیگری، جنبه فرعی داشته و در نتیجه شرط عدم مسئولیت نسبت به آن صحیح باشد. بنابراین در هر بیمه‌نامه با توجه به ماهیت خاص آن باید تعیین گردد که تعهد اصلی شرکت بیمه‌گر چیست، و سپس در مورد صحیح بودن و یا نبودن آن در انطباق با شرط تحدید و عدم مسئولیت بیمه‌گر به قضاوت نشست.

باید توجه کرد که در برخی از موارد شرکت‌های بیمه به درج شرط عدم مسئولیت جزئی تحت عنوان «فرانشیز» اقدام می‌کنند. به عبارت دیگر در بسیاری از موارد، بیمه-گر ضمن درج شرطی در قرارداد، مسئولیت خود را تا میزان معینی _ به دلیل جزئی بودن خسارت- از خسارت سلب می‌کند. برای مثال شرکت بیمه‌گر حداقل خسارت

مورد مطالبه را «ن» ریال تعیین کرد و خسارت کمتر از «ن» را غیرقابل جبران می‌داند. مثال دیگر اینکه برخی از شرکت‌های بیمه‌گر، ضمن اندراج شرطی در قرارداد بیمه در بیمه‌های درمان، هزینه‌های درمان سرپایی را از شمول تعهدات خود خارج می‌کنند. در این موارد نیز به نظر می‌رسد با توجه به اینکه چنین شرطی مقتضای ذاتی عقد بیمه را تغییر نمی‌دهد باید صحیح دانست. حقوقدانان نیز تحت عنوان فرانشیز چنین شرطی را صحیح اعلام کرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲). هرچند چنین نهادی در بیمه تحت عنوان فرانشیز مطرح شده اما ماهیت آن نوعی شرط عدم مسئولیت است.^۱ ممکن است ایراد شود که درج شرط عدم مسئولیت در قرارداد بیمه از سوی شرکت بیمه به دلیل الحاقی بودن قرارداد بیمه (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۲۵) را باید مطلقاً باطل قلمداد کرد، اعم از اینکه نسبت به تعهد اصلی شرکت بیمه‌گر باشد و یا تعهد فرعی شرکت بیمه‌گر، این ایراد در نظام حقوقی کنونی قابل پاسخ است؛ زیرا با توجه به اینکه اکثر شرکت‌های بیمه در حال حاضر خصوصی شده و تعداد شرکت‌های بیمه که در حال حاضر در صنعت بیمه کشور فعال می‌باشند رو به فزونی است،^۲ دیگر نمی‌توان بازار انحصاری که شرکت‌های بیمه دولتی که در دهه‌های پیش در دست داشتند را متصور گردید. بنابراین با توجه به فعالیت گسترده شرکت‌های بیمه خصوصی تا حدی از انحصارگرایی که در صنعت بیمه مشاهده می‌شد، کاسته شده است.

استدلال دیگری که در زمینه بطلان شرط عدم مسئولیت در قرارداد بیمه می‌توان استفاده کرد، اشاره به ماهیت اقتصادی شرط عدم مسئولیت است؛ زیرا شرط عدم

۱. باید توجه نمود که فرانشیز اقسام دیگری نیز دارد. برای مثال بیمه‌گر غالباً در بیمه بدنه خودرو ۱۰ درصد خسارت را پرداخت نمی‌نماید. به عبارت دیگر مسئولیت خود را در این زمینه به ۹۰ درصد میزان خسارت کاهش می‌دهد. با توجه به محدود کردن سقف تعهد بیمه‌گر، چنین مواردی را باید شرط تحدید مسئولیت دانست نه شرط عدم مسئولیت.

۲. لازم به ذکر است که در حال حاضر حدود ۲۴ شرکت بیمه خصوصی در سطح کشور در حال فعالیت می‌باشند. این در حالی است که فقط یک شرکت دولتی (بیمه ایران) در حال حاضر در حال فعالیت می‌باشد. خاطر نشان می‌سازد که بیش از پنجاه درصد از پرتفو بیمه کشور نیز در اختیار شرکت‌های بخش خصوصی است.



مسئولیت و بیمه مسئولیت را می‌توان دو نهاد موازی تلقی کرد (عابدی، ۱۳۹۴، ص ۹) با این توضیح که تولیدکننده و عرضه‌کننده یا باید اقدام به خرید بیمه مسئولیت کنند و یا در مقابل خریدار اقدام به درج شروطی جهت تحدید مسئولیت خود کند. حال اگر عرضه‌کننده و تولیدکننده ضمن پذیرش هزینه‌های بیمه، نتوانند از مزایای آن استفاده کنند، اصولاً فلسفه اقتصادی بیمه نیز تحت شعاع قرار گرفته و از بین می‌رود. لازم به ذکر است در برخی از موارد قانون نسبت به اندراج شروط عدم مسئولیت موضع‌گیری کرده و چنین شروطی را صریحاً نامعتبر اعلام کرده است. برای مثال بر اساس ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث (خدابخشی، ۱۳۹۶، ص ۳۳۴) درج هر شرطی که مزایای قانونی کمتری برای بیمه‌گر و زیان‌دیده (اعم از اینکه قبل از خسارت باشد یا بعد از خسارت) را باطل اعلام کرده است. این ماده هم شرط عدم مسئولیت را در برمی‌گیرد و هم تحدید مسئولیت.

نگاه حقوق انگلیس به اندراج شرط در قرارداد به گونه دیگری است به عبارت دیگر در حقوق انگلیس باب شرایط ناعادلانه برای پذیرفتن شرط باز است. قانون شروط ناعادلانه قرارداد^۲ (در حقوق انگلیس) که اعتبار و نفوذ شروط محدودکننده و ساقط

۱. ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۴ مقرر می‌دارد: «درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایتنامه از زیان دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایتنامه‌ای بلااثر است.»

۲. در حقوق انگلیس، به موجب قانون شروط ناعادلانه قرارداد، درستی بعضی شروط بستگی به معقول بودن یا نبودن آن‌ها دارد و شروط دیگری نیز از اصل باطلند. به عنوان مثال در عقد بیع، شرط عدم مسئولیت بابت تعهد مربوط به ضمان درک (Implied Undertaking as to Title) تابع معیار «معقولیت» است و شرط عدم مسئولیت ناظر به مناسبت کالا برای مقصود (Fitness For Purpose) تابع معیار «معقولیت» است و شرط عدم مسئولیت فروشنده در قبال تأخیر در تسلیم یا عدم تسلیم میب، از آن‌جا که این قانون مقررات خاصی درباره آن ندارد، کاملاً معتبر است. اکنون اگر در عقد بیع، فروشنده مسئولیت خود بابت «هر نقضی» (Any Breach) را در برابر خریدار استثناء کند، شرط تجزیه می‌شود. در قسمتی که ناظر به ضمان درک است، باطل است، در قسمتی که ناظر به عدم تسلیم است درست است و در بخشی که ناظر به مناسبت کالا برای مقصود است، درستی آن تابع معیار معقولیت است. این تجزیه در حقیقت نتیجه طبیعی قانون شروط ناعادلانه قراردادی است. چه این قانون هیچ‌گاه شرط عدم مسئولیت را باطل نمی‌داند و تنها اشعار می‌دارد که مدیون نمی‌تواند خود را از بعضی مسئولیت‌ها

کننده مسئولیت را تابع شرایط سختی قرار داده است، در بند ۱ از ماده ۱۳ خود که انواع شروط عدم مسئولیت را برمی‌شمارد، محدودیت‌های مذکور در قانون را از جمله در مورد شروط کاهش تعهد جاری می‌داند. توضیح آنکه مهم‌ترین موانع اعتبار و نفوذ شرط عدم مسئولیت در مواد ۲ و ۵ تا ۷ ذکر شده است و همین موانع بر طبق این ماده به شروط عدم تعهد نیز گسترش یافته‌اند (David Yates, , 1982, p.155).

۳. آثار شرط عدم مسئولیت در بیمه‌های بازرگانی

در صورت صحت شرط عدم مسئولیت، مسئولیت ناقض تعهد به کلی ساقط می‌شود و سخن گفتن از میزان مسئولیت امری لغو و بیهوده خواهد بود. بنابراین در صورت صحت شرط عدم مسئولیت، مسئولیت مشروط له به کلی از بین می‌رود.

در بیمه‌های بازرگانی نیز در برخی از موارد ممکن است شروط عدم مسئولیتی در قرارداد درج گردد که در صورتی که این شروط صحیح باشند، در چارچوب شروط مذکور، مشروط له از مسئولیت مبرا خواهد بود.

برای مثال در مواردی که بیمه‌گر در مورد خسارات ناشی از دستگاه‌های کشاورزی برای تردد در بزرگراه اصلی کشور محدودیت ایجاد می‌کند و خساراتی که ناشی از تردد این دستگاه‌ها در بزرگراه‌ها را ایجاد کند، از شمول تعهدات خود خارج بداند، در صورت بروز حادثه دیگر نمی‌توان شرکت بیمه‌گر را مکلف به جبران خسارت ناشی از تردد این دستگاه‌ها در کشور دانست.

در صورتی که شرط عدم مسئولیت نیز باطل باشد، باید تعیین کرد که آیا شرط عدم مسئولیت در زمره شروط باطل است و یا مبطل. در این راستا به نظر می‌رسد

(به عنوان مثال از ضمان درک) معاف بگرداند. از سوی دیگر شرطی که تابع معیار معقول بودن است، ممکن است در بخشی «معقول» و در بخشی دیگر نامعقول دانسته شود؛ به عنوان مثال در دعوی R.W. Green V. Cade (1978) Bros Farms که فروشنده مسئولیت خود را از سویی به «مدت معین» و از سوی دیگر به «ثمن قرارداد» محدود کرده بود، شرط در بخشی معقول و در بخش دیگر نامعقول شناخته شد. در این فرض در واقع، عبارتی که به ظاهر یک شرط را تشکیل می‌دهد، به دو شرط تجزیه و معقول بودن یا نبودن هر یک جداگانه سنجیده می‌شود.



در صورتی که شرط عدم مسؤولیت ناظر به ارکان تعهد عقد بیمه باشد به عبارت دیگر شرط عدم مسؤولیت ناظر به تعهد اصلی عقد بیمه منعقد بین طرفین عقد باشد، شرط عدم مسؤولیت نه تنها باید باطل دانست، بلکه مبطل نیز خواهد بود، اما در صورتی که شرط عدم مسؤولیت ناظر به تعهد اصلی عقد بیمه نباشد، و شرط مذکور برخلاف قانون و یا نظم عمومی باشد، باید شرط مذکور را صرفاً باطل و عقد بیمه به اعتبار خود برقرار دانست. فرض شرط محدودکننده ممکن است هیچ خسارتی بدون جبران باقی نماند؛ زیرا همواره امکان دارد که دین مربوط به جبران خسارت کمتر از سقف تحدید باشد. بدین سان است که اکثر نظام‌های حقوقی، اگرچه اختلاف این دو را در حدی ندیده‌اند که به بطلان مطلق یکی و اعتبار دیگری نظر دهند، همواره در مورد شروط تحدید مسؤولیت سختگیری‌های کمتری را روا داشته‌اند. نه تنها در انگلیس (G. H. Treitel, 1995, p. 918)، بلکه در همه کشورهای وابسته به کامن‌لا، قاعده تفسیر مضیق در مورد شرط تحدید مسؤولیت با شدت کمتری اعمال می‌شود (S. Williston, 1972, p.147).

نکته دیگر این شرط عدم مسؤولیت در مقابل اشخاص ثالث است که در حقوق انگلیس مورد پذیرش قرار نگرفته است. در فرضی که دعوی او بر اساس مسؤولیت قهری مطرح می‌شود، امکان استناد به شرط از سوی مدیون مسؤول در برابر او، تجاوز از جنبه منفی اصل اثر نسبی قرارداد محسوب می‌شود و باید محکوم شود. عدالت نیز نیازمند همین است: چگونه می‌توان در برابر بیگانه‌ای که ممکن است حتی از وجود شرط، جز به هنگام استناد به آن از سوی طرف مقابل، آگاهی نداشته باشد، به وسیله شرطی که با بیگانه دیگری منعقد شده است، خود را از مسؤولیت معاف دانست، در حالی که حقوق مسؤولیت مدنی هر روز بیشتر از دیروز به سوی حمایت از زیان‌دیدگان گام برمی‌دارد؟ این پاسخ در حقوق انگلیس نیز، به خوبی در دعوی Haseldine V. Daw (1941) منعکس شده است. در قرارداد میان مهندسان تعمیرکار آسانسور و مالک غیرمنتقول، شرط عدم مسؤولیتی به نفع تعمیرکاران وجود داشت؛ میهمان صاحب‌خانه به هنگام استفاده از آسانسور به دلیل تقصیر مهندسان در تعمیر آن، مجروح شد؛ اینان به شرط عدم مسؤولیت خود در قرارداد با صاحب‌خانه استناد

کردند؛ اعمال ساده اصل اثر نسبی قرارداد بود که دفاع آن‌ها را با شکست مواجه کرد و خواهان موفق به دریافت تمامی خسارات شد.^۱

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مباحث مهم در حقوق بیمه در نظام حقوقی ایران، شرط عدم مسئولیت است. باید توجه کرد که شرط عدم مسئولیت در حقوق بیمه در صنعت بیمه ویژگی‌های خاصی دارد که توجه به این ویژگی‌ها امری مهم قلمداد می‌شود. به صورت کلی در بیمه‌های بازرگانی، توجه به موضوع قرارداد بیمه امری حائز اهمیت در تعیین میزان مسئولیت بیمه‌گر است؛ زیرا اصولاً تعهدات بیمه‌گر محدود به موضوع قرارداد بیمه است. همین موضوع قرارداد بیمه نیز در برخی از موارد به وسیله قانون و یا به وسیله توافق طرفین محدود می‌شود.

در برخی از موارد، قانون‌گذار خود اقدام به محدود و یا منتفی کردن مسئولیت بیمه‌گر کرده است. برای مثال بر اساس ماده ۲۸ قانون بیمه بیمه‌گر را مسئول خسارت ناشی از جنگ و شورش نمی‌داند. همچنین ماده ۶ آیین‌نامه شماره ۵۳ شرایط عمومی بیمه‌نامه بدنه وسایل نقلیه زمینی مصوب ۸۴/۱۲/۹ حاوی مقرراتی در این راستا است که باید توجه کرد که در این قبیل موارد، مسئولیت بیمه‌گر در نتیجه حکم قانون محدود گردیده است نه توافق طرفین، بنابراین این موارد را نمی‌توان مصداقی از شرط عدم مسئولیت و یا تحدید مسئولیت شرکت بیمه‌گر دانست.

در قرارداد بیمه شروطی در قرارداد وجود دارد، که این شروط را می‌توان شرط عدم مسئولیت جزئی دانست. در این‌گونه شروط بیمه‌گر تا سقف معینی مسئولیت پرداخت خسارت را به نحو کلی از خود ساقط می‌کند. در چنین مواردی خسارت در صورتی قابل جبران است که میزان تعیین‌شده بیشتر باشد. این‌گونه شروط را با توجه به اینکه اثر اصلی عقد بیمه را سلب نمی‌کند، نمی‌توان باطل دانست.

۱. جهت مشاهده پرونده و تحلیل رأی، رک. به: سایت <http://www.a-level-law.com> <به آدرس اینترنتی: <http://www.a-level-law.com/caselibrary/HASELDINE%20v%20DAW%20%5B1941%5D%20%20KB%20343%20-%20CA.doc>>



اگر شرکت بیمه‌گر اقدام به انعقاد عقد بیمه‌ای کند که در خصوص آن نوع پوشش بیمه‌ای مجوزهای لازم یا پروانه فعالیت را از بیمه مرکزی ایران اخذ نکرده باشد نمی‌تواند در موقع بروز حادثه به عدم صلاحیت خود برای فروش این نوع بیمه‌نامه استناد کند و در سایه عدم صلاحیت به عدم مسئولیت خود استناد کند؛ زیرا بر اساس ماده ۶۹ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری ملزم به جبران خسارات وارده است.^۱ بنابراین نمی‌توان گفت که شرط داشتن پروانه فعالیت برای تصدی بیمه‌گری از شروطی است که عقد بیمه را باطل می‌کند؛ زیرا در سایه این شرط بیمه‌گر می‌تواند با استرداد حق بیمه وصولی از بیمه‌گذار بخش عظیمی از خسارت را جبران نکند که این به نفع زیان‌دیده نیست.

به‌عنوان قاعده می‌توان بیان کرد که در صورتی که شرط عدم مسئولیت ناظر به تمام تعهد اصلی قرارداد بیمه نباشد و همچنین شرط عدم مسئولیت در شرایطی در قرارداد درج نشده باشد که انحصار در بازار وجود داشته باشد و قانون نیز آن را باطل اعلام نکرده باشد، باید شرط عدم مسئولیتی که از سوی شرکت بیمه در قرارداد بیمه درج می‌شود را صحیح دانست. البته باید توجه نمود با توجه به متفاوت بودن ماهیت قراردادهای بیمه، در هر قرارداد بیمه، تعهد اصلی بیمه‌گر متفاوت بوده و ممکن است تعهدی که در یک بیمه‌نامه تعهد اصلی شرکت بیمه‌گر است، در بیمه دیگری، جنبه فرعی داشته و در نتیجه شرط عدم مسئولیت نسبت به آن صحیح باشد. اخیراً در برخی از موارد قانون همچون ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث نسبت به اندراج شروط عدم مسئولیت موضع‌گیری کرده و چنین شروطی را نامعتبر اعلام کرده است. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار اقداماتی در حرکتی جامع نسبت به شرط عدم مسئولیت تعیین تکلیف و از ارجاع و واگذار این شروط به توافق طرفین خودداری کند؛ زیرا توافق طرفین در این زمینه از رسیدن به عدالت اجتماعی به‌عنوان هدف حقوقی، قاصر است. بنابراین ضروری است قانون‌گذار در این زمینه صرفاً به


۱. ماده ۶۹: «هر مؤسسه بیمه در رشته یا رشته‌های معینی که پروانه بیمه ندارد رأساً و یا به‌وسیله نمایندگان خود قبول بیمه نماید مکلف به جبران خسارت زیان‌دیده خواهد بود.»

کنترل قضایی اکتفا نکند و با کنترل تقنینی، تصویب قوانین مناسب در این زمینه در دستور کار خود قرار دهد.

۵. منابع

۱-۵. فارسی

۱. ارسطا، محمدجواد، توافق برتحديد وعدم مسؤوليت از دیدگاه حقوق تطبیقی، شماره ۳۰، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۱۳۸۸.
۲. آل شیخ، محمد، ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسؤولیت مدنی، سال هفدهم، شماره ۲، فصلنامه صنعت بیمه، ۱۳۸۱.
۳. بابایی، ایرج، حقوق بیمه، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۴. حیاتی، محمد حقوق بیمه، چاپ دوم، تهران، بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
۵. خدابخشی، عبدالله، حقوق بیمه و مسؤولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶.
۶. روژه ° بو، حقوق بیمه، ترجمه: دکتر محمد حیاتی، تهران، نشر بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۸.
۷. شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
۸. صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادهای)، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
۹. عابدی، محمد، تحلیل اقتصادی شرط عدم مسؤولیت، دو فصلنامه دانشنامه، سال بیست و دوم، شماره ۷، ۱۳۹۴.
۱۰. عرفانی، توفیق، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

محمدجواد روستا سکه روانی و همکاران ————— بررسی تطبیقی وضعیت و آثار... 

۱۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی «قواعد عمومی قراردادها»، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.

۲-۵. انگلیسی و فرانسه

13. Chitty, Contracts, Vol. 1: General Principles, 25th Edition, Sweet & Maxwell, 1983.
14. Cheshire, Fifoot & Furmston, Law of Contract, 11th Edition, Butterworths, 1989.
15. Katouzian, Naser, The general theory of contracts , Volume 5, second edition, Tehran, Enteshar Publications, (in persian), 1997.
16. G. H. Treitel, Law of Contract 9th Edition, Sweet & Maxwell, 1995.
17. Terre, F. et Simler P. et Lequette, Y, Droit Civil. Obligations , 6th Edition, Paris, Dalloz, 1996.
18. S. Williston, A Treatise on the Law of contract, Vol 15, 3rd edition, Vol 15, 1972, Cumulative Supplement by the Publishers Editorial Staff , 1991, n. 1750.
19. Yates, David, Exclusion Clauses in Contract, 2nd Edition, Sweet & Maxwell, 1982.

۳-۵. تارنما

20. <http://www.craddock.com.au/Document/Exclusion+Clauses+in+Insurance+Contracts.aspx>. <http://www.a-level-law.com>.